

Short Article

Vol 16, Issue 3, Autumn 2024, Ser 61, PP: 147-154

Title: The Lexical and Semantic Connection of a Verse from Hafez with Mithraism

Authors: Khosro Ghasemian* 

Abstract: Although a lot of research has been done in the realm of Hafez's poetry, it can still be addressed from different angles. In this article, a verse from Hafez's sonnet, is analyzed with the aim of showing its connection with the ritual of Mithraism.

ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر

سپیده دم که هوا چاک زد شعار سیاه

The dawn learned from your friends in the rite of affection When it ripped the air and the black design For this purpose, firstly, the more accurate recordings and the more correct readings were noticed and analyzed by referring to statistical comparison of eleven printed and prominent copies of Hafez's *Divan* and paying attention to the poetic connections of the verse's words. To reach the mentioned goal, the accurate recording of the words of the verse and its more correct reading was specified, the opinions of several scholars were discussed and criticized, and the link between the key words of the verse with the symbols mentioned in the ritual of Mithraism was provided with the help of intra-textual and extra-textual signs. The main achievement of this research is strengthening the theory of Hafez's attention to Mithraism.

Key words: Hafez, Mithraism, path of love, air, dawn.

Received: 2024-06-24

Accepted: 2024-09-15

* Associate Prof Persian Language and Literature, Shiraz University of Medical Sciences,

khosrowghasemian@gmail.com

DOI: 10.22099/JBA.2024.48490.4454



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.






مقاله‌ی کوتاه، سال ۱۶، پاییز ۱۴۰۳،

شماره‌ی سوم، پیاپی ۶۱، صص ۱۴۷-۱۵۴

پیوند واژگانی و معنایی بیتی از حافظ با آیین مهرپرستی

خسرو قاسمیان * 

چکیده

هرچند در قلمرو شعر حافظ، پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، هنوز می‌توان از زاویه‌های مختلف به آن پرداخت و مطالب تازه‌ای در پیوند با آن ارائه کرد. در این مقاله یک بیت از غزل حافظ، یعنی: «ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر/ سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه»، به‌منظور نشان دادن پیوند میان آن با آیین مهرپرستی موردتوجه و تحلیل قرار گرفته است. شیوه‌ی رسیدن به هدف مورد اشاره، از طریق مشخص کردن ضبط دقیق واژه‌های بیت و خوانش درست‌تر آن، نقد نظر چند تن از حافظ‌شناسان درباره‌ی آن و اثبات پیوند میان واژه‌های کلیدی و مهم بیت با نمادهای مطرح در آیین مهرپرستی به‌کمک نشانه‌های درون‌متنی و برون‌متنی صورت گرفته است. دستاورد عمده‌ی این پژوهش، تقویت نظریه‌ی توجه و رویکرد حافظ به آیین میتراپیسم یا مهرپرستی و روشن‌تر از پیش نمودن فضای نیمه تاریک مسئله است.

واژه‌های کلیدی: آیین مهرپرستی، حافظ، سپیده‌دم، طریقت مهر، هوا.

۱. مقدمه

شعر حافظ ظرفیت و ظرافت‌های شاعرانه و تاریخی قابل توجه و نیز استعداد پژوهش‌های مختلف دارد. در این مقاله، بیت: «ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر/ سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه» (حافظ، ۱۳۷۴: ۴۰۵) از حافظ به‌منظور نشان دادن پیوند میان آن با آیین میتراپیسم یا مهرپرستی موردتوجه و واکاوی قرار گرفته است. شیوه‌ی بررسی موضوع برای رسیدن به هدف پژوهش این‌گونه است که نخست به‌کمک مقایسه‌ی آماری از یازده نسخه‌ی چاپی و

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز khosrowghasemian@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۴/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۶/۲۵

شاپا چاپی: ۸۱۸۳-۲۰۰۸ شابا الکترونیکی: ۷۷۵۱-۲۹۸۰ DOI: 10.22099/JBA.2024.48490.4454



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.



Received: 2023-06-24

Accepted: 2024-09-15

مطرح دیوان حافظ، ضبط درست‌تر واژه‌های کلیدی بیت روشن و پس از آن به نقد نظر چند تن از حافظ‌شناسان درباره‌ی بیت پرداخته شده است و درنهایت با بررسی‌های درون‌متنی، یعنی پاره‌ای همانندی‌های واژگانی بیت با برخی نمادهای آیین مهرپرستی و پژوهش‌های برون‌متنی، یعنی اسناد مربوط به آیین مهرپرستی، موضوع مورد‌مناقشه‌ی میان حافظ‌پژوهان، یعنی توجه داشتن حافظ به آیین مهری، بررسی و موضوع، بیش‌ازپیش تقویت و روشن شده است.

۲. زمینه‌ی بحث و تحلیل

برای رسیدن به هدف اصلی مقاله، یعنی توجه و رویکرد حافظ به آیین مهرپرستی در بیت: «ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر/ سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه»، از یک سو، بررسی ضبط مناسب‌تر واژه‌های بیت به‌ویژه واژه‌های «دوستان» و «هوا» و از سوی دیگر روشن شدن فاعل و مفعول و پاره‌ای پیوندهای دیگر آن و چگونگی خوانش ترکیب «طریقت مهر» درخور اهمیت و راهگشاست.

بی‌گمان تشخیص و ترجیح ضبط «دوستان» بر «آستان» و «هوا» بر «صبا» و «سحر» که در برخی نسخه‌های دیوان حافظ دیده می‌شود، نخستین مرحله برای رسیدن به هدف نهایی مقاله است. بر همین اساس با مراجعه به متن یازده نسخه‌ی چاپی قابل‌توجه‌تر دیوان مشاهده شد^۲ که در متن هفت نسخه‌ی «خانلری»، «نیساری»، «سایه»، «عیوضی»، «نایینی و نظیر احمد»، «جاوید و خرمشاهی» و «راستگو»، ضبط «دوستان» و «هوا» آمده است و در سه نسخه‌ی «قدسی»، «قزوینی» و «انجوی»، ضبط «دوستان» و «صبا» و در یک نسخه‌ی خرمشاهی، ضبط «آستان» و «صبا». بنابراین بر اساس این آمار از یازده نسخه‌ی قابل‌توجه، ده نسخه، ضبط «دوستان» و هفت نسخه، ضبط «هوا» را دارد که از یک سو با توجه به این آمار و از سوی دیگر با توجه به حضور کلمه‌ی «هوا» در بیت حافظ و این مطلب که «هوا» جزو اصطلاحات آیین مهری است و از طرفی دیگر نیز با در نظر گرفتن ترکیب «طریقت مهر» و برخی نکته‌های دیگر می‌توان به ترجیح ضبط «دوستان» و «هوا» بر ضبط‌های معادل آن‌ها در بیت رأی داد و به کمک دیگر پیوندهای درون‌متنی و برون‌متنی، رویکرد حافظ را به آیین مهرپرستی تقویت و روشن کرد.

برخی از حافظ‌پژوهان، ترکیب «طریقت مهر» را با اضافه کردن طریقت به مهر و برخی با مکث بعد از طریقت خوانده‌اند که هرچند وجه دوم نیز به نحوی توجیه‌پذیر است، اضافه شدن طریقت به مهر قابل‌قبول‌تر است؛ زیرا هم موسیقی آن در خوانش هموارتر است و هم سه وجه ایهامی دارد که با زبان و سبک حافظ، هم‌خوانی و هم‌خونی بیشتری دارد. ایهام‌های سه‌گانه‌ی نهفته در ترکیب «طریقت مهر»، عبارت‌اند از: ۱. طریق و آیین مهرپرستی؛ ۲. طریق عشق و محبت؛ ۳. خورشیدگونگی.

در خوانشی که طریقت را به مهر اضافه می‌داند، «هوا» فاعل بیت است و با توجه به باور گذشتگان که هوا را ماده‌ی سیال غیرمرئی و بر فراز خاک می‌دانستند و آن را مترادف آسمان می‌گرفتند (لغت‌نامه دهخدا، ذیل هوا) منظور از هوا، مطلق «آسمان» است و سپیده‌دم نیز قید زمان و در معنای سحرگاه و بر این اساس، معنای ساده و روان بیت این می‌شود که: هوا یعنی آسمان، از دوستان و عاشقان تو در سلوک مهرپرستی آموخته است که در هنگام سپیده‌دم، تاریکی اطراف

خود را مانند پیراهنی سیاه پاره می‌کند. در این معنا ایهام‌های دیگر طریقت مهر، یعنی «عشق و محبت» و «خورشیدگونگی» نیز به روشنی جلوه‌گرند و گویی هوا یا آسمان، در هجران معشوق و از شوق آمدن او پیراهن سیاه خود را چاک می‌زند. ناگفته نماند که با این خوانش و معنا، ممکن است برای برخی از خوانندگان شعر این تصور به وجود بیاید که «سپیده‌دم» فاعل است؛ درحالی‌که هرگز این گونه نیست؛ زیرا در صورتی که سپیده‌دم را فاعل بگیریم، لفظ «هوا» حشوی قبیح باقی می‌ماند!

حال اگر «طریقت مهر» را با مکث بعد از طریقت بخوانیم که البته در خوانش نیز به نرمی و همواری خوانش «طریقت مهر» به صورت ترکیب اضافی نیست، باید «سپیده‌دم» را فاعل و «مهر» را مفعول بگیریم و به جای ضبط «هوا»، ضبط «سحر» را که در برخی نسخه‌ها آمده قرار دهیم و آن را قید زمان به حساب بیاوریم و بیت را این گونه معنا کنیم که: سپیده‌دم، مهرورزی را در سلوک خود از دوستان تو آموخته است که هنگام سحر پیراهن تاریکی را پاره می‌کند. هرچند با این خوانش معنای بیت راهی به دهی دارد، با توجه به اینکه سپیده‌دم و سحر هر دو در معنا بیانگر زمان واحدی، یعنی سحرگاهان یا صبح زودند، معنای بیت خالی از حشو و بی‌ذوقی نیست! ناگفته نماند که اگر بیت را با این خوانش در نظر بگیریم؛ ولی «سحر» یا «هوا» را فاعل دوم آن به حساب آوریم، به نحوی می‌توان بیت را این گونه معنا کرد که: سپیده‌دم، مهرورزی را در سلوک خود از دوستان تو آموخته است که سحر یا هوا نیز پیراهن تاریکی را پاره می‌کند!

در این قسمت، از میان دیدگاه‌های برخی از حافظ‌پژوهان درباره‌ی بیت موردنظر و پیوند داشتن یا نداشتن آن با آیین مهری، به نظر سه تن از آنان، یعنی: بهاء‌الدین خرمشاهی، حسینعلی هروی و سعید حمیدیان پرداخته می‌شود. بهاء‌الدین خرمشاهی در جلد چهارم از *دانشنامه‌ی حافظ‌پژوهی*، در پنج صفحه‌ی دو ستونه، بحثی فشرده و قابل توجه را ذیل عنوان «مهرپرستی» آورده است و ضمن تأیید اشاره‌ی حافظ به آیین مهرپرستی با ذکر چند بیت از او در تأیید نظر خود، در صفحه‌ی ۲۴۰۸ درباره‌ی بیت موردبحث با ضبط «دوستان» به جای «آستان» و «سحر» به جای «هوا» و با خوانش ترکیب «طریقت مهر» با مکث بعد از «طریقت» می‌گوید:

«عده‌ای از حافظ‌پژوهان یا شارحان، «طریقت مهر» خوانده و آن را اشاره‌ی آشکار حافظ به کیش مهر دانسته‌اند که اقوال آن‌ها نقل خواهد شد؛ اما بنده آن را «طریقت مهر» یا «طریقت، مهر» می‌خوانم، به این شرح که «سپیده‌دم» فاعل است که در طریقت یعنی سلوک عرفانی و معنوی از دوستان تو (هرکس باشد) مهربانی آموخته است و شعار سیاه ظلمت شب را دریده است تا خورشید که مظهر نور و از قائمه‌های اصلی آیین مهر است، پدیدار شود. ترس از ظلمت در میان مهربان وجود داشته ...» (خرمشاهی، ۱۳۹۷، ج ۴: ۲۴۰۸).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ایشان در معنای خود از بیت به نقش «سحر» اشاره‌ای نکرده‌اند که قابل توجه و جای اشکال است.

زنه‌یاد حسینعلی هروی نیز در شرح *غزل‌های حافظ*، در معنای بیت با ضبط «دوستان» و «هوا» می‌گوید: «هنگام صبح که هوا جامه‌ی سیاه خود را چاک زد، این کار را از روش مهرورزی دوستان تو آموخت» (هروی، ۱۳۶۷، ج ۳،

۱۷۰۶). ایشان سپس «طریقتِ مهر» را روش مهر ورزیدن، طرز دوستی و محبت و آیین مهرپرستی معنا می‌کند و در ادامه‌ی شرح خود می‌گوید:

«با این تصور که شب، معشوقی است که پیراهن سیاه به تن دارد و وقتی آن را چاک می‌زند تن سفیدش که صبح است ظاهر می‌شود، می‌گوید این روش را که هر روز هنگام صبح، هوا جامه‌ی سیاه شب را چاک می‌زند، از دوستان تو در طریقه‌ی مهرورزی آموخته است. می‌خواهد بگوید: تو چنان مورد علاقه‌ی دوستان خود هستی که به خاطر تو جامه بر تن چاک می‌کنند و چاک زدن جامه‌ی سیاه شب در صبح به پیروی از این روش دوستان تو است. حاصل معنی اینکه از میان رفتن سیاهی شب و طلوع صبح بر اثر جاذبه‌ی محبت توست. چنان‌که مکرر در حافظ دیده می‌شود، شاعر، «مهر» را در دو معنی می‌آورد؛ یکی محبت و دیگر خورشید و اغلب به هر دو معنی نظر دارد. در اینجا، اگر «مهر» را خورشید معنی کنیم، طریقت مهر را می‌توان آیین مهرپرستی نیز معنی کرد. یادآوری کنیم که بعضی، مضمون این بیت را با آن قسمت از آیین مهرپرستی که سرباز مهری را به اتاق تاریکی می‌برند و بعد از مراسم رازآمیزی ناگهان پرده‌های سیاه را به کنار می‌زنند انطباق داده‌اند...» (همان: ۱۷۰۷).

سپس هروی برای توجه حافظ به مهرپرستی، خواننده را به مقاله‌ی مجتبیایی، ذیل بیت ۴ از غزل ۳۳۷، یعنی (بر جبین نقش کن از خون دل من خالی...)، در شرح خود ارجاع می‌دهد (همان).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در توضیح ایشان اشتباه و تناقضی آشکار وجود دارد؛ زیرا از یک سو به اشتباه «شب» را معشوق می‌پندارد و می‌گوید: «شب» پیراهن سیاه خود را چاک می‌زند و بعد می‌افزاید: «هوا» جامه‌ی سیاه شب را چاک می‌زند و پس از آن می‌گوید: تو چنان مورد علاقه‌ی دوستان خود هستی که به خاطر تو جامه بر تن چاک می‌کنند! سعید حمیدیان نیز در «شرح شوق» خود که در عداد شرح‌های مفصل بر غزل‌های حافظ است، به بیت مورد بحث بر اساس ضبط «دوستان» و «هوا» می‌پردازد و ترکیب «طریقت مهر» را به صورت ترکیب اضافی می‌خواند و آن را به آیین محبت، راه عشق و با ایهام، به خورشید معنا می‌کند و سخن کسانی را که این بیت و برخی دیگر از بیت‌های حافظ را به آیین مهرپرستی پیوند زده‌اند سخیف می‌شمارد و می‌گوید: «این گونه تعبیر در شعر پارسی بسیار است و جز معنی و ایهام مذکور، مدلول دیگری ندارد» (حمیدیان، ۳۶۹۰، ج ۵: ۱۳۹۶). ایشان در ادامه‌ی شرح خود در معنای بیت می‌گوید: «اینکه سپیده‌دم جامه‌ی سیاه شب را درید و روشنایی را به جهان ارمغان کرد، از دوستان و عاشقان تو آموخته، مراد اینکه دوستان دلدار، همگی اهل جهان روشنایی‌اند و هیچ نسبتی با شب که نماد تیرگی است ندارند» (همان: ۳۶۹۱).

چنان‌که از توضیح ایشان برمی‌آید، وی نیز مانند خرمشاهی فاعل بیت را «سپیده‌دم» می‌گیرد؛ ولی با این تفاوت که خرمشاهی «طریقت مهر» را با مکث بعد از طریقت می‌خواند و ایشان با اضافه کردن طریقت به مهر، اما متأسفانه در توضیح و گزارش حمیدیان نیز به واژه‌ی «هوا» اشاره‌ای نمی‌شود و «هوا» در بیت، معلق و معطل می‌ماند! در اینجا برای روشن شدن پیوند میان دیدگاه حافظ با آیین مهر، از جمله در بیت مورد نظر نخست باید یادآور شد که شیوه‌ی شاعرانه‌ی حافظ در سخن، رندانه و ملامت‌مآبانه و ایهام‌وار و غیرمستقیم است و در این مورد نیز بدون اینکه بخواهیم میان باور حافظ و آیین مهرپرستی یا میتراپیسم، پیوند محکمی برقرار کنیم، می‌خواهیم بگوییم که او با آیین مهری آشنا بوده و در مواردی از جمله در بیت

مورد اشاره، به آن توجه کرده است. کسانی که با ذهن و زبان حافظ آشنا هستند، می‌دانند که از برجسته‌ترین رفتارهای هنری حافظ در شعر، اشاره‌های غیرمستقیم او به بسیاری از موضوع‌ها و رویدادهاست، چنان‌که در این باره می‌توان گفت: می‌گوید و نمی‌گوید! البته این گونه رویکرد در شعر، هم خواننده را به درنگ بیشتر وامی‌دارد و هم لذت شاعرانگی شعر را بیشتر نشان می‌دهد.^۳ همان‌گونه که برخی دیگر از حافظ‌شناسان از جمله بهاء‌الدین خرمشاهی یادآور شده‌اند، حافظ در برخی از بیت‌های خود، به آیین مهرپرستی یا میترایسم توجه نشان داده است که برای نمونه می‌توان به بیت‌های زیر اشاره کرد:

بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا مپسند که مک‌در شود آیینی مهرآیینم

(حافظ، ۱۳۷۴: ۳۴۵)

بر جبین نقش کن از خون دل من خالی تا بدانند که قربان تو کافرکیشم

(همان: ۳۳۱)

گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز گفتا ز خوب‌رویان این کار کمتر آید

(همان: ۲۲۴)

کمتر از ذره نه‌ای پست مشو مهر بورز نا به خلوت‌گه خورشید رسی چرخ‌زنان

(همان: ۳۷۷)

بنابراین برای پیوند میان بیت مورد بحث در مقاله‌ی حاضر با آیین مهرپرستی، نخست به پاره‌ای ویژگی‌های این آیین، به‌ویژه بخش‌های نمادین آن اشاره می‌شود و آن‌گاه به ارتباط میان مشخصه‌های مطرح در بیت با آیین مهرپرستی. «میترا از کهن‌ترین خدایان هند و آریایی است که در یونان و روم، میتراس نامیده می‌شد. نام این ایزد و مشخصات آن تأییدکننده‌ی این واقعیت است که آیین ستایش میتراس رومی، دارای خاستگاه شرقی و به ویژه ایرانی بوده است» (فلیکس، ۱۳۹۱: ۱۲).

«بسیاری از محققان غربی به‌ویژه آنان که در نظریات خود به دور از غرض‌ورزی هستند، در اینکه سرچشمه‌ی میترایسم را مانند دیگر مذاهب اسراری، می‌بایست در شرق و به‌خصوص ایران جست‌وجو کرد، هم رأی‌اند و فقط در شکل این ارتباط و چگونگی ورود میترایسم به روم اتفاق نظر ندارند. اصولاً یونانیان و رومیان با فرهنگ ایرانی در تماس نزدیک بودند و عقاید مذهبی ایرانیان در تمدن و فرهنگ این مردم نفوذ زیادی داشته است. علاوه‌براین وجود اصطلاحات و آدابی ایرانی‌الأصل در میترایسم، موجب شد که محققان به اتفاق تأثیر فرهنگ ایران را در آیین میتراس بپذیرند و در این مورد به تأثیر ودایی چندان توجه نکنند» (همان: ۱۵).

البته آنچه در این آیین مهم‌تر می‌نماید، راز آمیز بودن آن است. در آیین مهری، هفت مرحله یا به روایتی دیگر دوازده مرحله‌ی سلوکی وجود داشته است و برای هر یک از عناصر چهارگانه‌ی «هوا»، «خاک»، «آتش» و «آب»، عنوان‌ها و مقام‌هایی را مطرح کرده و مراحل سلوک مهرورزی را با توجه به آن‌ها آموزش می‌داده و پیش می‌برده‌اند؛ بنابراین سه مقام «هوا» را «کلاغ»، «کرکس» و «شترمرغ» می‌دانسته و سه مقام «خاک» را «سرباز»، «شتر» و «گاو نر» و سه مقام

۱۵۲ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۶، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۴۰۳ (پیاپی ۶۱)
«آتش» را «بز کوهی»، «اسب» و «آفتاب» و سه مقام «آب» را «پدر»، «عقاب» و «پدر پدران»^۴ می‌شمرده‌اند (رضی، ۱۳۷۱: ۸۷).

۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، علاوه بر توجه کردن و اهمیت دادن به کلیدواژه‌های مطرح در شعر حافظ و یافتن پیوند میان آن‌ها با پاره‌ای مطالب و نکته‌های تاریخی، از بحث‌های انجام‌شده در آن به ترتیب دو نتیجه‌ی مهم زیر درخور توجه و گزارش است:

- به کمک سه واژه و ترکیب مهم در بیتی از حافظ به‌عنوان نشانه، یعنی «هوا»، «شعار سیاه» و «طریقت مهر» و تطبیق آن‌ها با نمونه‌های مشابه در آیین مهرپرستی، یعنی «هوا» به‌عنوان نمادی از نمادهای آیین مهرپرستی و «غار و تاریکی» و «مراحل طریقت» در آیین مهری، موضوع و مسئله‌ی مورد‌مناقشه‌ی حافظ‌شناسان، یعنی توجه داشتن حافظ به میتراپسَم یا آیین مهرپرستی، بیش‌ازپیش تقویت و روشن شده است.

- یکی از بیت‌های درخور توجه حافظ که از لحاظ ضبط برخی واژه‌های کلیدی و نحوه‌ی خوانش در میان برخی از حافظ‌شناسان محل اختلاف قرار گرفته، به‌صورتی روشمند و متکی بر استدلال و همراه با نقد نظر سه تن از حافظ-پژوهان، بررسی و ضبط دقیق‌تر و خوانش درست‌تر آن نیز روشن شده است.

یادداشت‌ها

۱. در این مقاله برای مقایسه‌ی آماری، نسخه‌بدل‌های دیوان‌های مورد‌استفاده و نسخه‌هایی که به‌عنوان متن شرح‌های دیوان حافظ قرار گرفته‌اند، مورد‌نظر نبوده‌اند.
۲. نگارنده در کتاب رفتارشناسی هنری سخن حافظ که در دست چاپ است، بسیاری از این‌گونه ترفندهای پنهان و آشکار شعر او را بررسی کرده و نشان داده است.
۳. برای مراحل هفت‌گانه و دوازده‌گانه‌ی آیین مهرپرستی، به‌ترتیب می‌توان به صفحه‌های ۳۴۶ و ۳۹۲ کتاب آیین مهر از هاشم رضی مراجعه کرد.

منابع

- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). *دیوان حافظ*. تصحیح و توضیح: پرویز خانلری، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۶۳). *دیوان حافظ*. به‌اهتمام: سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، تهران: جاویدان.
- _____ (۱۳۷۰). *دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی*. به‌اهتمام: محمدرضا جلالی نایینی و نظیر احمد، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۱). *دیوان حافظ* (بر اساس نسخه‌ی قدسی). تحقیق و بررسی: عزیزالله کاسب، تهران: کورش.

_____ (۱۳۷۳). دیوان حافظ. تصحیح: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: نیلوفر.

_____ (۱۳۷۳). دیوان حافظ شیرازی. تصحیح: قزوینی - غنی، تهران: انجمن خوشنویسان ایران.

_____ (۱۳۷۴). حافظ به سعی سایه. تهران: کارنامه.

_____ (۱۳۷۶). دیوان حافظ. تدوین و تصحیح: رشید عیوضی، تهران: صدوق.

_____ (۱۳۷۸). دیوان حافظ. به کوشش: هاشم جاوید و بهاءالدین خرمشاهی، تهران: فرزانه.

_____ (۱۳۸۷). دیوان حافظ. تصحیح: سلیم نیساری، تهران: سخن.

_____ (۱۳۸۹). دیوان حافظ. به کوشش: سیدمحمد راستگو، تهران: نشر نی.

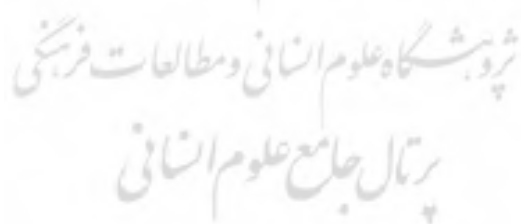
حمیدیان، سعید. (۱۳۹۶). شرح شوق. ج ۵، تهران: قطره.

خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۹۷). دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی. به سرپرستی عبدالله جاسبی، ج ۴، تهران: نخلستان
پارسی.

رضی، هاشم. (۱۳۷۱). آیین مهر. تهران: بهجت.

لاژار، فلیکس. (۱۳۹۱). راز و رمزهای آیین میترا. ترجمه‌ی: سیدحسن آصف آگاه، تهران: طهوری.

هروی، حسین‌علی. (۱۳۶۷). شرح غزل‌های حافظ. ج ۳، تهران: نشر نو.



Short Article

The Lexical and Semantic Connection of a Verse from Hafez with Mithraism

Khosrow Ghasemian 

Associate Professor in Persian Language and Literature, Faculty of Paramedical
Sciences, Shiraz University of Medical Sciences

Introduction

Hafez's poetry has considerable poetic and historical delicacies and capacities for considerable research; however, in the researches conducted on it, there are more repetitive words than new ones. This article casts a fresh and more accurate look at these lines:

ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر
سپیده دم که هوا چاک زد شعار سیاه

The dawn learned from your friends in the rite of affection
When it ripped the air and the black design

Also, a correct recording and reading of these lines have been identified and several Hafez researchers' opinions have been criticized and its connection with the ritual of Mithraism has been shown in intra and extra-textual forms.

Methodology, Review of Literature and Purpose

By referring to authentic copies of Hafez's *Divan*, more correct recording and reading of the line became clear. Also, the opinions of several Hafez researchers about the lines were criticized. The research purpose is to show the connection between the lines and some symbols of the ritual of Mithraism to reveal Hafez's attention to this ritual.

DOI: 10.22099/JBA.2024.48490.4454



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.



Received: 2023-06-24

Accepted: 2024-09-15

In connection with the subject of the present article, i.e., the ritual of Mithraism, three Hafez researchers have made positive or negative references in general: first, Baha-al-din Khorramshahi, in the fourth volume of *Encyclopedia of Hafez Studies* has presented some contents under the title of "Mithraism". In the meantime, he confirms Hafez's reference to the ritual of Mithraism by mentioning some lines of Hafez in support of his opinion. On page 2408, when discussing the lines under discussion here, he records "doostan" instead of "astan" and "sahar" instead of "hava" and by reading "tariqat-e-mehr" with a pause after "tariqat" expressed his final opinion.

The second critic is Hossein Ali Heravi who, in *Commentary on Hafiz's Ghazals*, interpreted the line with the recording of "doostan" and "hava" and referred to its connection with the ritual of Mithraism; however, he creates contradiction in the meaning of the lines.

The third critic, Saeed Hamidian, in his *Explanation of Enthusiasm*, records "doostan" and "hava" and refers to the ambiguity of the expression "tariqat-e-mehr". He considers the discussion of those who link these lines and some of the other Hafez's verses to the religion of Mithraism as absurd.

Discussion

In this verse, a more appropriate recording of the words, especially "doostan" and "hava", and the clarification of the subject and object and some of its other links with the way of "tariqat-e-Mehr" reading is important and helpful.

Undoubtedly, the preference for "doostan" over "astan" and "hawa" over "saba" and "sahar", is the first step to achieve the article's final goal. Accordingly, by referring to eleven more notable printed versions of the poet's *Divan*, it was observed that in seven editions of "Khanlari", "Neysari", "Sayeh", "Eivazi", "Naeini and Nazir Ahmad", "Javid and Khorramshahi", and "Rastgoo", the recording of "doostan" and "hava" is mentioned, and in three versions of "Qudsi", "Qazvini" and "Enjavi", the recording of "doostan" and "saba"; and only in one version of "Khorramshahi", "astan" and "saba".

Out of the eleven notable versions, ten copies have recorded "doostan" and seven copies "hawa". Therefore, considering the presence of the word "hawa" in the verse and ritual of Mithraism and considering "tariqat-e-mehr" and some other points, one is inclined to vote for the words "doostan" and "hawa" over their equivalent recordings. According to this, and with

the help of other intra and extra-textual links, the poet's attention to the ritual of Mithraism is strengthened and clarified.

In the reading of "tariqat-e-mehr" as an additional combination, "hava" (lit: air) is the subject, and according to the ancient belief that considered air as an invisible fluid substance above the earth and the synonym of the sky, (Dehkhoda, *Dictionary*, Under the "air"), air in these lines means "sky". "Sepideh dam" (lit: dawn) is also a time adverb and means sunrise. Some people may think that because of the linking word "ke" (lit: that), it is more correct to consider "dawn" the subject of the verse. But this is not true because in that case, the word "hava" is redundant.

If we recite "tariqat mehr" with a pause after "tariqat", we should take "sepideh dam" the subject and "mehr" the object, and instead of "hava", we should put "sahar" which is mentioned in some versions and it should be considered a time adverb.

In the ritual of Mithraism, there were seven, or in other accounts, twelve stages. Also, titles and positions were given to the four elements of "air", "soil", "fire", and "water" and the stages of the mystical journey were taught according to them. The three positions of "air" are "crow", "vulture" and "ostrich"; and the three positions of "soil" are "soldier", "camel" and "bull"; the three positions of "fire" are "mountain goat", "horse" and "sun"; and the three positions of "water" are "father", "eagle" and "father of fathers" (Razi, 1992: 87).

Conclusion

Two conclusions are drawn from this research: firstly, with the help of the words "hava", "shoar-e-siah" and "tariqat-e-mehr" as intratextual signs and their comparison with similar examples in the ritual of Mithraism, Hafez's attention to this religion has been further strengthened and clarified.

Secondly, the study focuses on Hafez's remarkable but controversial line, which have been the subject of controversy among Hafez researchers. Through a methodical reading based on reasoning and also criticism of three Hafez researchers' opinions, a more accurate recording and reading of the lines are presented.

Keywords: Hafez, Mithraism, path of love, air, dawn

References

- Khorramshahi, B. (1992). *Sonnets of Hafez* (edited by Salim Neysari), (2nd edition). Tehran: Al-Huda International Publications. [in Persian]
- Khorramshahi, B. (2018). Encyclopedia of Hafez studies (supervised by Abd-allah Jasbi), (4th Volume), (1st Edition). Tehran: Nakhlestan-e parsī. [in Persian]
- Hafez (1983). *Hafez's Divan* (edited and explained by Parviz Khanlari), (2nd edition). Tehran: Kharazmi. [in Persian]
- Hafez (1984). *Divan of Khwaja Hafez Shirazi* (by Seyyed Abolqasem Enjavi Shirazi), (5th edition). Tehran: Javidan. [in Persian]
- Hafez (1991). *Divan of Khwaja Shams-al-Din Mohammad Hafez Shirazi* (edited by Mohammad Reza Jalali Naeini and Nazir Ahmad) (7th edition). Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Hafez (1992). *Hafez's Divan* (based on the Qudsi version), (research and review of Aziz-allah Kaseb), (2nd edition). Tehran: Kourosh. [in Persian]
- Hafez (1994). *Hafez's Divan* (edited by Baha-al-din Khorramshahi), (1st edition). Tehran: Niloofar. [in Persian]
- Hafez (1994). *Divan of Hafez Shirazi* (edited by Qazvini-Ghani), (8th edition). Tehran: Iranian Calligraphers Association. [in Persian]
- Hafez (1995). *Hafez be-saay-e-sayeh* (3rd edition). Tehran: Karnameh. [in Persian]
- Hafez (1997). *Hafez's Divan* (compiled and edited by Rashid Eivazi), (1st edition). Tehran: Saduq. [in Persian]
- Hafez (1999). *Hafez's Divan* (by Hashem Javid and Baha-al-din Khorramshahi) (first edition). Tehran: Farzan. [in Persian]
- Hafez (2008). *Hafez's Divan* (edited by Salim Neysari), (1st edition). Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Hafez (2010). *Hafez's Divan* (by Seyyed Mohammad Rastgoo) (1st edition). Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Hamidian, Saeed (2017). *Explanation of Enthusiasm* (5th volume), (6th edition). Tehran: Ghatreh. [in Persian]
- Heravi, H. a. (1988). *Commentary on Hafiz's Ghazals* (3rd Volume), (1st Edition). Tehran: Nashr-e-no. [in Persian]

Lajar, F. (2012). *Secrets of the Mithraism* (S. H. Asef Agah, Trans.), (1st Edition). Tehran:

Tahori. [in Persian]

Razi, H. (1992). *Aeen-e mehr* (1st Edition). Tehran: Behjat. [in Persian]

